



گذری بر جریان‌های اخیر مهاجرت در استان یزد

عباس عسکری‌ندوشن^۱، فریده شمس قهفرخی^۲، لیلا زندی^۳، محمدرضا رضایی^۴

پذیرش: ۹۷/۱۲/۰۴

دریافت: ۹۷/۱۰/۲۵

چکیده:

مقاله حاضر، با استفاده از داده‌های سرشماری سال‌های ۹۵-۱۳۶۵ کشور به تحلیل جریان‌های اخیر مهاجرت در استان یزد، با تأکید بر دوره پنج‌ساله ۹۵-۱۳۹۰ پرداخته است. یافته‌های مطالعه حاضر، حضور و مشارکت فعالانه استان یزد در نظام مهاجرتی سه دهه اخیر کشور را روشن می‌کند. براساس یافته‌ها، مهاجرت به عنوان یک مؤلفه مهم، در گذر زمان، سهم فزاینده‌ای در افزایش جمعیت استان داشته است. در دوره ۹۵-۱۳۹۰، تعداد تقریبی ۳۹ هزار نفر، در نتیجه خالص مهاجرتی مثبت به حجم جمعیت استان افزوده شده است. علاوه بر آن، در همین دوره، جمعیتی حدود ۶۰ هزار نفر از سایر استان‌ها به استان یزد وارد شده‌اند. مسیرهای اصلی جریان مهاجرت واردشدگان به یزد، به ترتیب از استان‌های فارس، کرمان، اصفهان، تهران، سیستان و بلوچستان، خوزستان و خراسان رضوی (در دامنه‌ای از ۱۴/۵ درصد تا ۶ درصد) بوده که جمعاً این هفت استان، مبدأ حدود ۷۵ درصد از کل واردشدگان به مقصد استان یزد را دربر می‌گیرند. در نقطه مقابل، حدود ۲۳/۵ هزار نفر از مهاجران یزدی از محدوده استان خارج شده و در سایر استان‌ها سکن گزیده‌اند. استان تهران (با سهم ۱۹ درصدی) و سپس به ترتیب استان‌های فارس و اصفهان، کرمان (بین ۱۱ تا ۱۲ درصد) و خراسان رضوی (۸ درصد)، پنج مقصد اصلی برای بیش از ۶۲ درصد از مهاجرین یزدی خارج شده از استان بوده‌اند. در کنار مقولات فوق، در دوره مذکور، حدود ۲۰ هزار جابجایی در داخل استان اتفاق افتاده است. همچنین حدود ۱۸۰۰ نفر مهاجر نیز از خارج از کشور به استان یزد وارد شده‌اند که مبدأ حدود ۸۱ درصد آنها کشور افغانستان بوده است. بررسی پیامد این حرکات جمعیتی از جوانب اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی نیازمند پژوهش‌های علمی بیشتری است.

واژگان کلیدی: مهاجرت خالص، جریان‌های مهاجرت، مبدأ و مقصد مهاجرت، واردشدگان، خارج شدگان، یزد.

۱- دانشیار جمعیت‌شناسی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه یزد (نویسنده مسئول) aaskarin@yazd.ac.ir

۲- دانشجوی دکتری جمعیت‌شناسی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه یزد fshamsghahfarokhi@yahoo.com

۳- دانشجوی دکتری جمعیت‌شناسی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه یزد doniazandy2007@yahoo.com

۴- دانشیار گروه جغرافیا، دانشگاه یزد mrezaei@yazd.ac.ir

مقدمه و بیان مسأله



۸۴

سال اول، شماره ۱

بهار ۱۳۹۸

استان یزد، در سالیان اخیر، تبدیل به یکی از قطب‌های صنعتی کشور شده است. وجود فرصت‌های شغلی به واسطه وجود معادن در این استان، و توسعه بخش‌های خدماتی و صنعتی گوناگون در استان، باعث شده است که این استان به مقصدی برای تعدادی از مهاجران داخلی کشور و همچنین مهاجرانی از خارج از کشور تبدیل شود. برخورداری یزد از سطح توسعه نسبی در میان استان‌های ایران و همچنین داشتن پاره‌ای از ویژگی‌های متمایز در فرهنگ عمومی جامعه ایران که یزد با حسن شهرت به آن بازشناخته می‌شود، جذابیت‌هایی را برای جمعیت مهاجر، در انتخاب یزد به عنوان یکی از مقصدهای مهم مهاجرتی در کشور ایجاد نموده است. اگرچه داده‌های تطبیقی و معتبری برای بررسی ویژگی‌های تمایزبخش یزدی‌ها در مقایسه با سایر نواحی کشور و یا توزیع نگرش‌های اجتماعی ایرانیان در این رابطه موجود نیست، اما شواهد سطحی موجود، حاکی از آن است که تصورات اجتماعی رایج در فرهنگ عمومی جامعه ایران نسبت به ویژگی‌های فرهنگی و اجتماعی ساکنان یزد نگاه و ارزیابی مثبتی دارد. بنابراین، عواملی نظیر بهره‌مندی استان از سطح توسعه نسبی، وجود ظرفیت‌های اشتغال، تلقی مثبت از وضعیت فرهنگی — اجتماعی استان، احساس سطح مناسبی از امنیت اجتماعی، وجود مؤسسات آموزش عالی و مراکز بهداشتی و درمانی مناسب در این استان به‌ویژه در شهر یزد باعث شده است که این استان، مکان مطلوبی برای جذب مهاجران باشد.

علاوه بر آنکه استان یزد طی دهه‌های اخیر، در شبکه جابجایی‌های مهاجرتی کشور، فعالانه ایفای نقش کرده است؛ اما همواره در کنار جریان اصلی مهاجرتی، یک ضدجریان نسبتاً کوچک‌تری از مهاجرفرستی نیز از استان یزد به سایر نقاط کشور وجود داشته است. چگونگی چرخش سرمایه انسانی در جریان جابجایی‌های جمعیتی و مبادلات مهاجرتی استان با سایر استان‌های کشور، موضوع مهمی است که نیازمند سیاستگذاری مناسب و مدیریت مؤثر جمعیتی است. تحلیل‌های انجام شده بر مبنای نتایج سرشماری پیشین استان مؤید آن است که مهاجران ورودی، عمدتاً نیروهای غیرماهر یا نیمه‌ماهر هستند، اما مهاجرانی که از این استان خارج می‌شوند افراد تحصیل کرده، نخبگان و کارآفرینان هستند.

با توجه به اینکه، آثار و پیامدهای مهم و معنادار اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی متعددی بر جریان‌های مهاجرتی وارد شده و خارج شده استان مترتب است، شناخت و مطالعه علمی

مبادلات مهاجرتی استان به طور مستمر ضرورت دارد. به عنوان مثال، چگونگی ادغام فرهنگی و اجتماعی مهاجران در فرهنگ بومی منطقه در کنار چالش‌های زیست بومی که استان با آن مواجه است، نظیر واقع شدن این استان در ناحیه گرم و خشک و کمبود منابع آبی، افزایش جمعیت استان و گسترش حاشیه‌نشینی، و نظایر آن، همگی مطالعات علمی و نظام‌مندی را پیرامون ابعاد مختلف موضوع طلب می‌کند.

استان یزد تا دهه ۱۳۶۰ جزو استان‌های مهاجر فرست بوده است. در سال ۱۳۳۵، یزد جایگاه نهم را در میان استان‌های مهاجر فرست داشته است؛ اما در سه دهه گذشته، شرایط استان یزد تغییرات زیادی کرده است. از دهه ۱۳۵۰، یزد رشد اقتصادی خود را آغاز کرده است و این پیشرفت صنعت در استان موقعیت ویژه‌ای به این منطقه داده است. استان یزد به واسطه برخورداری از شرایط و امکانات مناسب مانند معادن غنی و صنایع مختلف، طی دهه‌های بعدی به استانی با موازنه مهاجرتی مثبت تبدیل شد (عسکری‌ندوشن و همکاران، ۱۳۹۷).

این استان، در طی سال‌های اخیر خالص مهاجرتی مثبت را داشته است. از لحاظ تعداد خالص مهاجرت و نسبت مهاجرت، در سرشماری سال ۱۳۸۵ جایگاه سوم و در سرشماری سال ۱۳۹۰ جایگاه چهارم و مجدداً در سرشماری سال ۱۳۹۵ جایگاه سوم را نسبت به سایر استان‌های کشور به خود اختصاص داده است. مطالعه فرآیند تغییرات مهاجرت‌های داخلی، سیر تاریخی تحولات اقتصادی و اجتماعی مناطق را نشان می‌دهد و می‌تواند روایت‌گر تحولاتی عمیق در نظام سکونت‌ی کشور باشد (زنجانی و علیزاده آهی، ۱۳۷۲). در مقاله حاضر سعی شده است بعد از بررسی روند مهاجرت در استان یزد، با استفاده از داده‌های سرشماری سال ۱۳۹۵ تعاملات مهاجرتی استان یزد با سایر استان‌های کشور بررسی شود.

پیشینه تحقیق

مسئله مهاجرت همواره موضوع جالب توجهی برای دانشمندان و متفکران اجتماعی، سیاسی و جمعیتی بوده است. در طی دهه‌های گذشته مطالعات متعددی به منظور تحلیل و تبیین مهاجرت‌های داخلی ایران انجام گرفته است، در زیر تعدادی از آخرین مطالعات بررسی شده‌اند:



عسکری ندوشن و همکاران (۱۳۹۷)، با استفاده از تحلیل ثانویه داده‌های سرشماری‌های ۱۳۸۵ و ۱۳۹۰ کشور، به بررسی وضعیت مهاجران استان یزد، به لحاظ ویژگی‌هایی مانند، سن، جنسیت، تحصیلات، شغل و ... پرداختند. بر طبق یافته‌های این پژوهش، استان یزد در سرشماری‌های مذکور خالص مهاجرتی مثبت داشته است. براساس نتایج مطالعه مذکور، در طی دوره مورد بررسی یک ضد جریان مهاجرتی نیز با سرعتی ملایم اتفاق افتاده است. همچنین یافته‌های این مطالعه نشان داد که مهاجران وارد شده به استان یزد نسبت به مهاجران خارج شده جوان‌تر، دارای تحصیلات پایین‌تر و افراد بیکار در جستجوی کار بوده‌اند.

شهبازین (۱۳۹۷)، با تأکید بر بُعد اثربخشی مهاجرت و استفاده از داده‌های چهار دوره سرشماری عمومی نفوس و مسکن بین سال‌های ۱۳۷۵-۱۳۹۵ تأثیر مهاجرت داخلی را بر بازتوزیع جمعیت در سطح شهرستان‌های کشور مطالعه کرده؛ نتایج این پژوهش نشان داد که با وجود تفاوت‌های شهرستانی و نیز تفاوت در پنج دوره، الگوی فضایی یکسانی از نظر شدت مهاجرت و اثربخشی مهاجرت بر کشور حاکم است. شهرستان‌های مناطق مرزی همواره دارای پایین‌ترین شدت مهاجرت و در نتیجه نرخ اثربخشی منفی بوده‌اند. در حالی که شهرستان‌های مرکزی کشور طی دوره مورد بررسی، همواره روند مهاجرپذیری را تجربه کرده و نرخ اثربخشی مهاجرت در آنها مثبت بوده است.

علی‌بیگی (۱۳۹۵)، به بررسی عوامل اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی مؤثر بر مهاجرت‌های روستایی - شهری در استان ایلام در طی مقطع زمانی ۱۳۸۵ تا ۱۳۹۴ پرداخته است. وی با استفاده از روش توصیفی تحلیلی، به بررسی تأثیر مؤلفه‌های اقتصادی - فرهنگی و اجتماعی بر مهاجرت روستاییان به ایلام می‌پردازد. براساس یافته‌های این پژوهش، میزان پیشرفت میانگین اشتغال مهاجران روستایی از زمان بعد از مهاجرت از ۱/۷۳ به ۴/۱۳ و میزان درآمد از ۲/۳۶ به ۳/۹۶، میزان امکانات آموزشی از ۲/۴۳ به ۴/۱۳، میزان امکانات بهداشتی و رفاهی از ۲/۱۹ به ۳/۴۴، میزان امکانات تفریحی و ورزشی از ۱/۷۸ به ۲/۳۹ و کلی از ۲/۱۸ به ۳/۹۳ رسیده است.

عسکری ندوشن و همکاران (۱۳۹۵)، با استفاده از داده‌های سطح انبوه سرشماری ۱۳۹۰، رابطه متقابل مهاجرت و شاخص‌های توسعه را بررسی قرار کرده‌اند و به آزمون تجربی رابطه تعدادی از شاخص‌های توسعه و مهاجرت پرداخته‌اند. یافته‌های پژوهش حاکی از ارتباط

نزدیک تعدادی از شاخص‌های کلیدی توسعه، نظیر درصد شاغلان در بخش صنعت و خدمات، نسبت بیکاری و نسبت باسوادی با نسبت مهاجرپذیری شهرستان‌های کشور بوده است. تحلیل چند متغیره نشان داد تفاوت سطح توسعه شهرستان‌ها، بیش از آنکه با جریان‌های مهاجرتی درون شهرستانی یا درون‌استانی مرتبط باشد، بیش‌ترین قدرت تبیین‌کنندگی را در مورد مهاجران وارد شده از سایر استان‌ها دارند؛ بنابراین، سطح توسعه شهرستان، متغیری است که بر جریان‌های بین‌استانی مهاجرت‌های ایران در سرشماری ۱۳۹۰، تأثیر نیرومندتری داشته است تا بر مهاجرت‌های داخل‌استانی و یا درون‌شهرستانی. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که از میان مؤلفه‌های توسعه، بهره‌مندی شهرستان‌ها از اشتغال و تحصیلات از جمله عوامل مهم در تبیین مهاجرپذیری آنهاست.

صادقی و شکرانی (۱۳۹۵)، با استفاده از تحلیل ثانویه داده‌های سرشماری سال ۱۳۹۰ و در چارچوب توسعه نابرابر و عدم تعادل‌های منطقه‌ای، به بررسی مهاجرت‌های داخلی، بین‌شهرستانی پرداختند. یافته‌های این پژوهش نشان داد که شهرستان‌های ایران از سطوح متفاوت توسعه برخوردارند و سطح توسعه‌یافتگی آنها بر مبنای ساختار فضایی خوشه‌ای شکل توزیع شده است. همچنین این پژوهش نشان داد که میزان شدت مهاجرپذیری به طور قوی و میزان خام شدت مهاجرت‌فرستی به طور ضعیف، به متمرکز شدن و یا خوشه شدن در فضا تمایل دارد. میزان توسعه‌یافتگی با شدت مهاجرپذیری رابطه مثبت و معنادار دارد و با مهاجرت‌فرستی رابطه منفی معنادار. همچنین نتایج نشان داد همه شهرستان‌های کشور از الگوی رابطه‌ای واحد بین میزان توسعه‌یافتگی و مهاجرت پیروی نکرده و چهار الگوی رابطه‌ای مختلف بالا - بالا (افزایش توسعه‌یافتگی همراه با افزایش مهاجرت)، پایین - پایین (کاهش توسعه‌یافتگی همراه با کاهش مهاجرت)، بالا - پایین (افزایش توسعه‌یافتگی همراه با کاهش مهاجرت) و پایین - بالا (کاهش توسعه‌یافتگی همراه با افزایش مهاجرت) وجود دارد و در تعدادی از شهرستان‌ها نیز این رابطه معنادار نیست. در نتیجه، در صورت تداوم تمرکزگرایی امکانات و نابرابری توسعه‌ای در سطح کشور، حرکات و جریان‌های مهاجرتی تداوم و حتی افزایش خواهد یافت.

محمودیان و قاسمی اردهایی (۱۳۹۱)، مطالعه‌ای کیفی بر روی جریان‌های مهاجرتی از استان آذربایجان شرقی به استان تهران انجام دادند. نتایج تحقیق آنها نشان داد که مهاجران



پیشگام از موقعیت اجتماعی - اقتصادی پایین تری نسبت به بومیان مبدأ و مقصد برخوردار بودند. آنها با بهبود نسبی وضعیت اقتصادی خود، به منظور کمک به وضع مالی خانواده و خویشاوندان نزدیک خود، وجوه ارسالی را به خاستگاه‌های روستایی خود می‌فرستادند. این امر و نیز اشتیاق روستاییان برای بازدید از وضعیت زندگی مهاجران در نواحی پایتخت، موجب گردید که رفت و آمد و ارتباط اولیه بین مبدأ و مقصد به وجود آید. تشدید دامنه این ارتباطات و نیز تشویق و کمک مهاجران پیشگام باعث شد که مهاجرت‌های شبکه‌ای (زنجیره‌ای) از استان آذربایجان شرقی (بیشتر با مبدأ روستایی) به استان تهران آغاز گردد. این امر موجب شد تا به رفتار مهاجرتی به عنوان یک اصل در جهت پیشرفت و بهبود وضعیت اقتصادی - اجتماعی خانوارهای روستایی توجه شود. پذیرش و درونی کردن این رفتار جمعیت‌شناختی در برخی از مناطق استان آذربایجان شرقی به حدی است که خالی از سکنه شدن برخی از مناطق روستایی آن را در نتیجه مهاجرتی شاهد هستیم (محمودیان و قاسمی‌اردهایی، ۱۳۹۱).

محمودیان و قاسمی‌اردهایی (۱۳۹۲)، به بررسی وضعیت مهاجرت و شهرنشینی در ایران پرداخته‌اند. براساس این پژوهش، سالانه به طور متوسط یک میلیون نفر در داخل مرزهای کشور جابجا شده‌اند. در طی چهار سرشماری بررسی شده در این مطالعه، مشخص شده است که بیشترین مهاجران به استان‌های تهران (همراه با استان البرز فعلی) اصفهان و خراسان رضوی وارد شده‌اند و استان تهران به همراه خوزستان و آذربایجان شرقی به ترتیب بیشترین درصد مهاجران خارج شده را داشته‌اند. خالص مهاجرت استان‌ها نشان می‌دهد که تهران (همراه با البرز) و اصفهان بیشترین خالص مهاجرت مثبت و آذربایجان شرقی، کرمانشاه و خوزستان بیشترین خالص مهاجرت منفی را داشته‌اند که در سرشماری سال ۱۳۹۰ بر شدت خالص مهاجرت مثبت استان‌های البرز، خراسان جنوبی و سمنان افزوده شده است. همچنین یافته‌های این پژوهش حاکی از آن است که، شاخص میزان کل مهاجرت در ۱۵ سال اخیر، بیشترین تأثیرپذیری را از کل مهاجران وارد شده و خارج شده، استان‌های سمنان، قم، بوشهر، مرکزی و البرز داشته‌اند. همچنین، جریان‌های مهاجرتی برای استان‌های سمنان، یزد، تهران، خراسان جنوبی و گیلان، مهاجرت به نسبت مؤلفه‌های باروری و مرگ و میر نقش فزاینده

جمعیت و برای استان‌های کرمانشاه، همدان، آذربایجان شرقی، اردبیل، لرستان و چهارمحال و بختیاری نقش کاهنده جمعیت را در مقایسه با سایر استان‌ها داشته است.

اذانی و بوستانی (۱۳۹۲) به تحلیل عوامل مؤثر در مهاجرت‌های روستایی - شهری (شهرستان ممسنی) پرداختند. نتایج این تحقیق نشان می‌دهد که شهرستان ممسنی طی چهار دهه، مواجه با رشد بالای مهاجرت بوده است که مهم‌ترین علت‌های مهاجرت‌های روستایی در این شهرستان، کمبود درآمد و فقدان امکانات آموزشی، خدماتی و رفاهی و غیره است (اذانی و بوستانی، ۱۳۹۲).

مشفق (۱۳۸۹)، سطوح و روندهای مهاجرت‌های داخلی در ایران و عوامل مؤثر بر آن را در سه سطح کلان، میانه و خرد در دوره ۱۳۸۵-۱۳۵۵ بررسی کرده است. براساس یافته‌های این پژوهش، مشخص شد که با وجود برخی از بی‌نظمی‌های موقتی در الگوها و روندهای نسبتاً پایداری در نظام مهاجرت‌های بین استانی ایران وجود دارد. در طی سی سال اخیر، جمعیت کشور متحرک‌تر شده است. اثربخشی مهاجرت‌های بین استانی در توزیع مجدد جمعیت در سطح ملی طی سه دهه مورد مطالعه به طور اساسی کاهش یافته است، یا به عبارتی، اثر مهاجرت در تغییرات نظام سکونتی کشور کم شده است. پیوستگی مهاجرتی بین استانی تحت تأثیر گسترش امکانات ارتباطی و گسترش شعاع مهاجرت‌های بین استانی افزایش یافته است که نشان‌دهنده وجود تمرکزگرایی زیاد در نظام مهاجرتی کشور است.

محمودیان و مشفق (۱۳۸۷)، با استفاده از مدل مفهومی ساختار مکانی مهاجرت‌های داخلی و نظریه انتقال تحرکی زلینسکی، طی دوره سی ساله (۱۳۵۵-۱۳۸۵) روند تغییرات برخی از شاخص‌های عمده نظام مهاجرت بین استانی را بررسی کرده‌اند. پس از معرفی پنج بُعد اساسی نظام مهاجرت‌های داخلی یعنی: شدت، اثر، پیوستگی، تمرکزگرایی و فاصله مهاجرتی، برخی از سنجه‌های مهم آنها را محاسبه و روندهای کلی آنها طی سه دهه گذشته را ترسیم و تحلیل کردند. یافته‌های این پژوهش نشان داد که طی سه دهه گذشته میزان ناخالص تجدید مهاجرت و نیز شاخص اثربخشی مهاجرت‌ها در بازتوزیع جمعیت کاهش اساسی داشته‌اند. از سوی دیگر تمرکزگرایی در نظام مهاجرتی به شدت کاهش یافته است. به علاوه نوعی الگوی نسبتاً پایدار از نظر شاخص‌های فاصله در نظام مهاجرتی مشاهده شد. تغییرات مؤلفه‌هایی چون نابرابری‌های درآمدی بین منطقه‌ای و درون منطقه‌ای، افزایش



امکانات ارتباطات بین منطقه‌ای و نیز حجم و رشد جمعیت مناطق در شکل‌دهی به تغییرات نظام مهاجرتی نقش اساسی و مهمی داشته‌اند.

ابراهیم‌زاده (۱۳۸۰)، عوامل مؤثر و پیامدهای مهاجرتی روستائیان به شهر را بررسی کرده است. وی در مطالعه خود نشان داد که عواملی از قبیل رکود اقتصادی در روستاها، عدم گسترش مناسب زیرساخت‌های خدماتی در روستاها، خشکسالی و سیلاب‌های پی در پی در منطقه و وجود زمینه‌های اشتغال و درآمد نسبی بهتر در شهرها و امکان اشتغال و فعالیت بهتر بر شدت مهاجرت‌های روستایی در دهه‌های اخیر دامن زده است. همچنین وی نشان داد که بیشتر این افراد، مردان بین ۱۵ تا ۴۰ سال هستند که در پی کسب شغل و درآمد بالاتر اقدام به مهاجرت می‌کنند.

هیرو^۱ و همکاران (۲۰۱۹) پویایی‌های مهاجرت داخلی را در اسپانیا بررسی کرده‌اند. در این مطالعه تأثیر رکود اقتصادی سال ۲۰۰۸ بر توزیع مهاجرت در اسپانیا تحلیل شده است. نتایج پژوهش آنها نشان داد که استان‌های برخوردارتر و ثروتمندتر به خصوص استان‌هایی که عملکرد صنعتی و خدماتی بهتری داشتند بیشتر مورد توجه مهاجران داخلی قرار گرفته‌اند. ریس^۲ و همکاران (۲۰۱۷) تأثیر مهاجرت داخلی را بر بازتوزیع جمعیت بررسی کردند. در این تحقیق آنها با اذعان به اینکه دسترسی محدود به داده‌ها و آمار ناکافی و چارچوب‌های فضایی مختلف، با مشکل مواجه هستند، از یک نرم‌افزار تحلیلی جدید به نام (Image Studio) برای برآورد تأثیر تعداد و پیکربندی مناطق جغرافیایی، استفاده کردند و به مقایسه یک نمونه بزرگ از کشورها پرداختند که ۸۰ درصد از جمعیت جهان را تشکیل می‌داد.

مازا^۳ (۲۰۰۶)، در مطالعه خود تحت عنوان «مهاجرت‌ها و همگرایی منطقه‌ای» به بررسی تعیین‌کننده‌های مهاجرت‌های بین‌استانی و نقش آنها در همگرایی بین مناطق مختلف اسپانیا طی دوره ۲۰۰۰-۱۹۹۵ پرداخته است. نتایج این تحقیق نشان می‌دهد تفاوت در هزینه‌های خانوار و شرایط آب و هوایی برخلاف میزان بیکاری و تفاوت در سرمایه‌های انسانی تأثیرات اساسی بر مهاجرت‌های استانی داشته است و متقابلاً مهاجرت روی افزایش نابرابری‌های منطقه‌ای در درآمد سرانه، تأثیر قوی داشته است. همچنین نتایج این مطالعه نشان می‌دهد که

1- Hierro
2- Rees
3- Maza

مهاجرت بین استانی تأثیرات قابل ملاحظه‌ای در همگرایی بین استانی درآمد سرانه اسپانیا داشته است و به عنوان مکانیسم متعادل کننده در فرآیند توسعه منطقه‌ای عمل کرده است. تومیتا و هیواشی^۱ (۲۰۰۶) در مطالعه خود به تجزیه و تحلیل فضایی تمرکزگرایی و تمرکززدایی از طریق نظام مهاجرتی در ۴۷ استان ژاپن پرداخته‌اند، در این مطالعه، استان‌ها به عنوان نقاط و مهاجرت به عنوان خطوط ارتباطی بین آنها در نظر گرفته شده‌اند. این مطالعه قانون تابع نمایی توزیع را در مورد جمعیت و مهاجرت تأیید می‌کند، بنابراین، محققان تجدید نظر در این فرضیه رایج، که حجم جمعیت شهرها از توزیع نرمال تبعیت می‌کند، ضروری می‌دانند. در این مطالعه نیز به بررسی تأثیر حجم جمعیت مبدأ و مقصد و فاصله در جابه‌جایی‌های بین استانی در ژاپن پرداخته شده است، نتایج بررسی نشان می‌دهد که در ژاپن حجم جمعیت مقصد تأثیری مثبت و قوی در مهاجرت بین استانی داشته است. این مطالعه نیز فرض بنیادین نظریه جاذبه در مورد فاصله را زیر سؤال برده، زیرا نتایج نشان داده که مهاجرت مستقل از پارامتر فاصله است، همچنین نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که عموماً استان‌های پرجمعیت نقاط جذب جمعیت هستند.

مطالعه و مرور ادبیات تحقیق در حوزه مهاجرت داخلی، نشان داد که مطالعات ارزنده‌ای در این حوزه در داخل و خارج از کشور انجام شده است. مطالعات انجام شده عمدتاً به بررسی وضعیت مهاجران، علل و عوامل مهاجرت و پیامدهای مهاجرت پرداخته‌اند. تفاوت در سن، جنس و وضعیت اقتصادی از جمله عواملی هستند که در پاره‌ای از مطالعات مورد توجه قرار گرفته‌اند. براساس مطالعات صورت گرفته، انگیزه مهاجران بیشتر انگیزه‌های اقتصادی و تحت تأثیر تفاوت در توزیع ثروت و منابع بوده است. بعد مسافت و توزیع فضایی مهاجران از جمله دیگر جنبه‌هایی بود که خصوصاً در کارهای اخیر مدنظر پژوهشگران قرار گرفته است. اما با توجه به شدت گرفتن جریان‌های مهاجرتی به مقصد یزد، لزوم تحلیل‌های علمی جامع‌تر پیرامون مهاجرت به استان ضروری به نظر می‌رسد. در این پژوهش با محوریت استان یزد، سعی خواهد شد تا علاوه بر نشان دادن روند و الگوی سنی مهاجران داخلی (درون استانی و بین استانی)، تعاملات مهاجرتی این استان با استان‌های دیگر با استفاده از آخرین داده‌های در دسترس واکاوی شود.

روش و داده‌های تحقیق

تحلیل‌های ارائه شده در پژوهش حاضر، مبتنی بر تحلیل ثانویه داده‌های سرشماری سال ۱۳۹۵ است. اطلاعات سرشماری، مهاجرت‌های دوره‌ای را نشان می‌دهد. این داده‌ها، جایجایی‌های جمعیتی در فاصله بین دو سرشماری را نشان می‌دهند. در این مقاله، از منابع داده‌های موجود از سرشماری‌های سال‌های ۱۳۶۵ تا ۱۳۹۵ کشور، برای استنباط روند تغییرات جمعیتی استان یزد و بویژه برای تعیین اثر مهاجرت بر این تغییرات استفاده خواهد شد. با توجه به اینکه تمرکز اصلی تحلیل‌های مقاله مبتنی بر آخرین اطلاعات مهاجرتی در دسترس صورت می‌گیرد، بیشتر از داده‌های سرشماری سال ۱۳۹۵ استفاده خواهد شد. داده‌های مهاجرت در این سرشماری، جریان‌های مهاجرتی در فاصله پنج ساله بین دو سرشماری ۱۳۹۰ و ۱۳۹۵ را پوشش می‌دهد. این منبع داده‌ای، در حال حاضر مهمترین اطلاعات موجود برای محاسبه روند و الگوی جریانات مهاجرتی بین‌استانی و داخل استانی است.



۹۲

سال اول، شماره ۱
بهار ۱۳۹۸

تغییرات رشد جمعیت و مهاجرت در استان یزد

جدول ۱، روند تغییرات در تعداد و رشد جمعیت استان یزد طی سه دهه اخیر، یعنی در فاصله سال‌های ۱۳۶۵ تا ۱۳۹۵ را به همراه تعداد جمعیت مهاجر نشان می‌دهد. تعداد جمعیت استان که در این جدول گزارش شده است، با ثابت در نظر گرفتن محدوده استان در سرشماری سال ۱۳۹۵ برای سرشماری‌های قبل از آن بازسازی شده است. آنگونه که اطلاعات جدول نشان می‌دهد، تعداد جمعیت استان در طول سه دهه گذشته، نزدیک به دو برابر افزایش یافته و با تجربه متوسط رشد سالانه‌ای کمی بیش از ۲ درصد، از حدود ۶۱۰ هزار نفر در سال ۱۳۶۵ به ۱ میلیون و ۱۳۰ هزار نفر در آخرین سرشماری بالغ شده است. بدون شک، یک مؤلفه مهم و تأثیرگذار بر افزایش جمعیت استان در دوره تحت مطالعه، عامل مهاجرت بوده است. به طوری که بر پایه اطلاعات جدول، استان یزد در دهه‌های اخیر، فعالانه در نظام مهاجرتی کشور مشارکت داشته و سهم درخور توجهی از افزایش جمعیت استان، از قبل فزونی مهاجران وارد شده بر مهاجران خارج شده، یا همان خالص مثبت مهاجرتی به استان اتفاق افتاده است. ستون آخر جدول ۱، تعداد خالص مهاجران به استان

یزد را نشان می دهد که از تفاضل مهاجران وارد شده به استان از مهاجران خارج شده از استان به دست آمده است. (البته لازم به ذکر است که جابجایی های مهاجرتی داخل استانی در محاسبات این جدول وارد نشده است و فقط مبادلات مهاجرتی با خارج از استان مد نظر بوده است).

جدول ۱. روند تغییرات جمعیت و مهاجرت در استان یزد طی دوره ۹۵-۱۳۶۵

سال سرشماری	تعداد جمعیت استان*	دوره محاسبه و نرخ رشد و جابجایی های جمعیت	نرخ رشد سالانه جمعیت (درصد) بین سرشماری ها	مهاجران وارد شده (از سایر استان ها + از خارج از کشور)	مهاجران خارج شده از استان	تعداد خالص مهاجران
۱۳۶۵	۶۰۹۹۲۷					
۱۳۷۵	۷۵۰۷۶۹	۱۳۶۵-۷۵	۲/۱۰	۴۴۸۸۴	۲۹۰۹۹	+۱۵۷۸۵
۱۳۸۵	۹۲۴۳۸۶	۱۳۷۵-۸۵	۲/۱۰	۱۰۳۷۰۴	۶۰۴۳۱	+۴۳۲۷۳
۱۳۹۰	۱۰۰۴۷۷۰	۱۳۸۵-۹۰	۱/۶۸	۵۴۷۳۶	۲۴۵۵۹	+۳۰۱۱۷
۱۳۹۵	۱۱۳۸۵۳۳	۱۳۹۰-۹۵	۲/۵۳	۶۲۰۹۰	۲۳۴۴۲	+۳۸۶۴۸

* در جدول فوق، با ثابت در نظر گرفتن محدوده های استان در سال ۱۳۹۵ برای دیگر سرشماری ها، جمعیت استان در سرشماری های قبلی بازسازی شده است. در سال ۱۳۸۰ شهرستان طبس به استان یزد الحاق و مجدداً در دی ماه ۱۳۹۱ از یزد جدا شد. بنابراین از جمعیت سرشماری شده سال ۱۳۸۵ استان، تعداد ۶۶،۴۳۲ نفر و از جمعیت سرشماری شده سال ۱۳۹۰ استان، تعداد ۶۹،۶۵۸ نفر از جمعیت متعلق به شهرستان مذکور، کسر شده است. همچنین، در فاصله بین سرشماری های ۱۳۷۵-۱۳۶۵ شهرستان ابرکوه از استان فارس به استان یزد ملحق شده است. با این تفسیر، تعداد ۳۵۸۹۹ نفر از شهرستان ابرکوه به جمعیت سرشماری شده سال ۱۳۶۵ استان افزوده شده است.

اگر چه، تعداد مهاجران وارد شده و خارج شده از استان، هر کدام اهمیت و آثار و پیامدهای خاص خود را دارد، اما در اینجا، موضوع بحث نیست و در عوض تمرکز ما بر تعداد خالص مهاجران است. برای آنکه موضوع به ذهن نزدیک تر شود، بهتر است تعداد خالص مهاجرت های دوره ای به استان را با جمعیت شهرستان های ده گانه استان مقایسه نمود. اگر جمعیت شهرستان یزد را مستثنی کنیم، براساس نتایج سرشماری ۱۳۹۵، بیشترین جمعیت مربوط به شهرستان های میبد (حدود ۹۹/۷ هزار نفر) و اردکان (حدود ۹۸ هزار نفر) و کمترین جمعیت مربوط به بهاباد (حدود ۱۷ هزار نفر) و اشکذر (حدود ۳۲/۵ هزار نفر) بوده است. بررسی تعداد خالص مهاجرت های دوره ای استان، مؤید آن است که در هر دوره



زمانی بین دو سرشماری، عملاً جمعیتی معادل یک شهرستان فقط از کانال مبادلت مهاجرتی به جمعیت استان یزد افزوده شده که رقمی بزرگ و قابل توجه است. تعداد خالص دوره‌ای مهاجرت‌ها به استان، همچنین مؤید آن است که در گذر زمان، بر شدت و حجم مهاجرت‌ها افزوده شده است. در دوره‌های زمانی تحت مطالعه در جدول ۱، دو دوره نخست (یعنی ۷۵-۱۳۶۵ و ۸۵-۱۳۷۵)، فاصله‌های زمانی ده ساله را شامل می‌شود. حال آنکه فاصله زمانی بین سرشماری‌های ۱۳۸۵، ۱۳۹۰ و ۱۳۹۵، پنج ساله است. بنابراین، با تجمع تعداد خالص مهاجران در یک دهه پایانی، رقم خالص مهاجرت استان، نزدیک به ۶۹ هزار نفر برای دهه ۹۵-۱۳۸۵ خواهد رسید که سیر صعودی و شتابان مهاجرت‌پذیری استان یزد را منعکس می‌کند. در بخش بعدی، تأکید و تمرکز مقاله بر نتایج آخرین سرشماری جمعیت است و بر مبنای آن، جوانب مختلف جریان‌های مهاجرتی استان یزد، یعنی مهاجرت‌های درون استانی / شهرستانی، مهاجرت‌های وارد شده به استان و مهاجرت‌های خارج شده از استان مورد تحلیل قرار خواهد گرفت.

نگاه کلی به وضعیت جابجایی‌های مهاجرتی در سطح استان یزد

یافته‌هایی که در این قسمت ارائه خواهد شد، اطلاعاتی را در مورد حجم کلی جابجایی‌های مهاجرتی به تفکیک شهرستان‌های استان یزد، طی دوره ۹۵-۱۳۹۰ فراهم می‌کند. براساس اطلاعات مندرج در جدول ۲، تعداد ۱۰۵،۴۱۰ مورد جابجایی جمعیتی در استان یزد در طول دوره مورد مطالعه گزارش شده است. ۱۹ درصد از این جابجایی‌ها (به تعداد ۱۹،۸۷۸) را مهاجرت‌های داخل استانی تشکیل می‌دهد. همچنین، حدود ۵۹ درصد مربوط به جمعیت مهاجرین وارد شده به استان، اعم از مهاجرین داخلی یا بین‌المللی و حدود ۲۲ درصد (۲۳۴۴۲ نفر) متعلق به یزدی‌هایی است که استان را به مقصد سایر نقاط کشور ترک گفته‌اند.

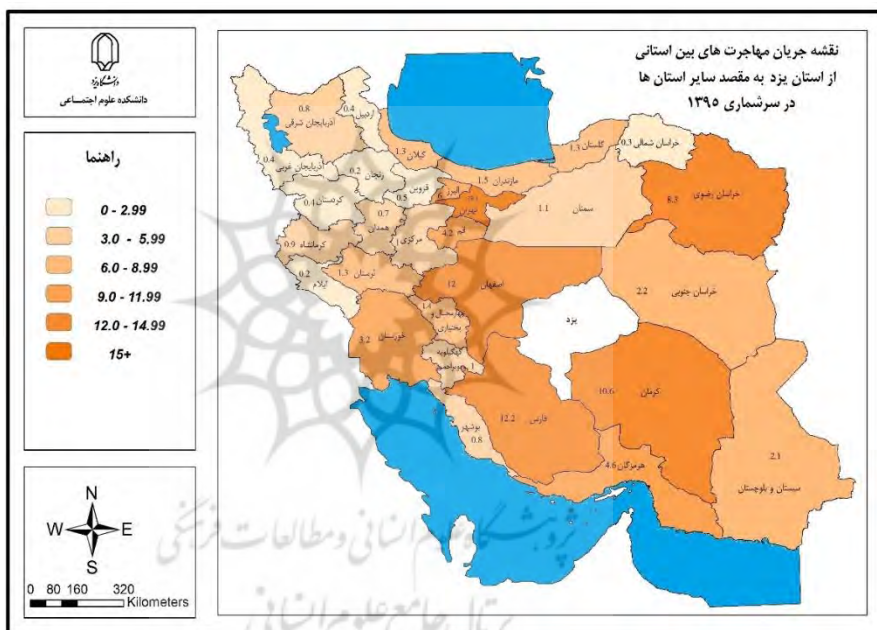
ملاحظه بخش (ب) جدول ۲، بیانگر چند یافته کلیدی از خلال اطلاعات ارائه شده است. نخست آنکه شهرستان یزد بالاترین درصدهای مربوط به مؤلفه‌های مختلف جریان‌های مهاجرتی استان را به خود اختصاص داده است. در این میان، نکته برجسته آنکه ۷۲ درصد از مهاجران خارج شده از کل استان، از این شهرستان به مقصد دیگر استان‌های کشور عزیمت کرده‌اند و حال آنکه سهم همه شهرستان‌های دیگر استان، در این مقوله به زحمت از ۶ درصد

فراتر می‌رود. این یافته را شاید بتوان تأییدی بر تئوری‌هایی دانست که بر مرحله‌ای بودن حرکت‌های مهاجرتی تأکید دارند (راونشتاین^۱، ۱۸۸۵). یافته دیگر اینکه، مهاجرت‌های داخل استانی در مقایسه با سایر مقولات و اشکال جابجایی‌هایی گزارش شده در جدول، توزیع متوازن‌تر و همگون‌تری در میان شهرستان‌های استان دارد. هرچند که در اینجا نیز باز سهم شهرستان یزد (۳۸/۲ درصد)، بیش از بقیه شهرستان‌هاست، اما در مجموع، نابرابری در چگونگی بازتوزیع این گروه از مهاجرین در میان شهرستان‌های استان، نسبتاً کمتر است. یافته قابل تأکید دیگر، مربوط به ستون خالص مهاجرت است. ملاحظه توزیع درصدی خالص مهاجران در بین شهرستان‌های استان، گویای آن است که نزدیک به نیمی از افزایش جمعیت ناشی از مهاجرت در استان یزد، عاید شهرستان یزد شده است. حدود ۲۰ درصد سهم شهرستان اردکان و ۱۳ درصد، سهم شهرستان میبد شده است. حدود ۱۷ درصد باقیمانده از مهاجران در بین هفت شهرستان باقیمانده استان توزیع شده است. شهرستان‌های یزد، اردکان و میبد که بیشترین خالص مثبت مهاجرتی را دریافت کرده‌اند، هر سه در زمره صنعتی‌ترین شهرستان‌های استان هستند که توسعه صنایع و کارخانجات زمینه‌ای را برای جذب نیروی کار کارگری در آنها فراهم آورده است. بحث و بررسی پیرامون آثار و پیامدهای مثبت و منفی برآمده از این روندهای مهاجرتی و تغییرات جمعیتی، مجال دیگری می‌طلبد.



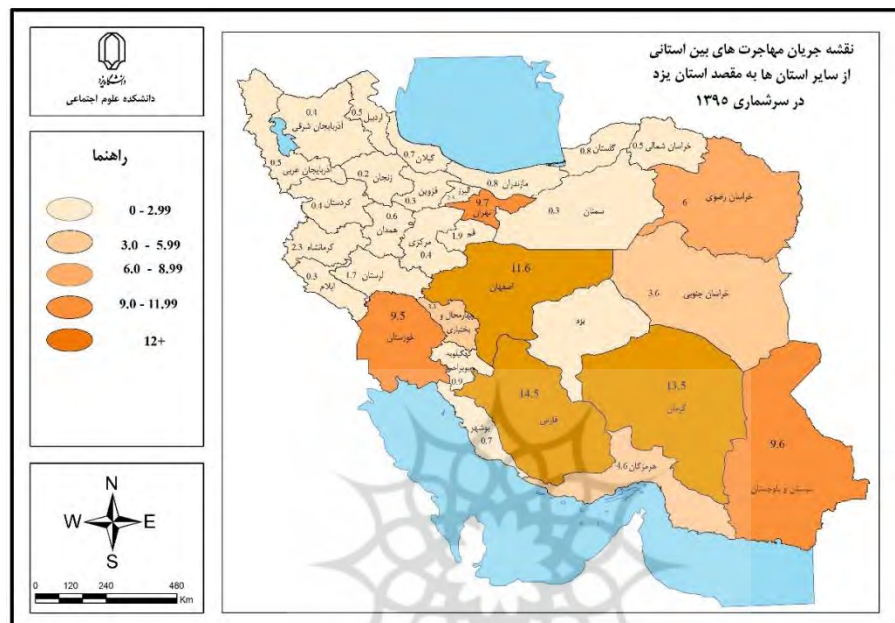
خارج گردیده و در سایر استان‌ها بازتوزیع شده‌اند. از تعداد یاد شده، استان تهران، با سهمی معادل ۱۹ درصد مهمترین مقصد مهاجران خارج شده از استان یزد بوده و نزدیک به یک پنجم از مهاجران یزدی را پذیرفته است. استان‌های فارس و اصفهان هرکدام با سهمی حدود ۱۲ درصد و سپس کرمان (حدود ۱۱ درصد) و خراسان رضوی (حدود ۸ درصد) در مرتبه‌های بعدی قرار می‌گیرند. پنج استان فوق، روی هم رفته، مقصد اصلی بیش از ۶۲ درصد از مهاجران یزدی بوده و اصلی‌ترین مسیرهای مهاجرت از مبدأ یزد به شمار می‌روند.

شکل ۱. بازتوزیع مهاجران یزدی خارج شده از استان در بین استان‌های کشور، سرشماری ۱۳۹۵



شکل ۲، سهم درصدی هر یک از استان‌های کشور در مهاجرفروستی به استان یزد را به تصویر می‌کشد. براساس اطلاعاتی که قبلاً در جدول ۲ ارائه گردید، تعداد ۶۰,۲۸۷ نفر از مهاجران داخلی کشور، طی دوره ۹۵-۱۳۹۰ از سایر استان‌ها به استان یزد وارد شده‌اند. بالاترین درصد جمعیت واردشدگان به استان یزد، به ترتیب متعلق به استان‌های همجوار، یعنی فارس (۴/۵ درصد)، کرمان (۱۳/۵ درصد) و اصفهان (۱۱/۶ درصد) بوده است. در مرتبه بعدی، استان‌های تهران، سیستان و بلوچستان، خوزستان (بین ۹/۵ تا ۹/۷ درصد) و خراسان رضوی (۶ درصد) قرار دارند. این هفت استان، مسیرهای اصلی جریان مهاجرت به مقصد یزد

را تشکیل می‌دهند و بر روی هم، سهمی قریب به $\frac{3}{4}$ از کل وارد شدگان به استان یزد، متعلق به آنهاست.



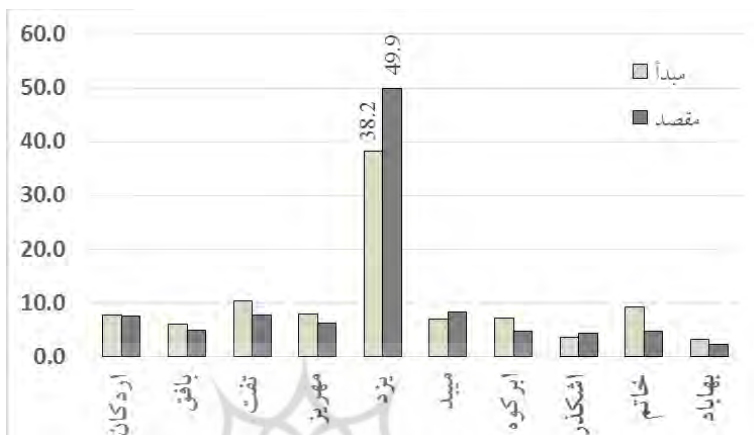
شکل ۲. سهم نسبی استان‌های کشور در مهاجرفرستی به استان یزد، سرشماری ۱۳۹۵

تحلیل الگوهای مهاجرت درون استانی

در این قسمت، الگوی مهاجرت‌های داخلی صورت گرفته در محدوده استان یزد بررسی می‌گردد. نمودار ۱ سهم درصدی هر یک از شهرستان‌های استان به عنوان مقصد و همچنین به عنوان مبدأ مهاجرتی را در دوره زمانی ۹۵-۱۳۹۰ نشان می‌دهد. براساس نتایج نمودار، از مجموع ۱۹۸۷۸ جابجایی‌هایی که در داخل استان صورت گرفته است، نیمی از آنها را مهاجران وارد شده به شهرستان یزد تشکیل می‌دهند. در مؤلفه مقصد نیز مجدداً شهرستان یزد با تفاوت قابل توجهی نسبت به سایر شهرستان‌ها، مبدأ حدود ۳۸ درصد از مهاجران داخلی استان بوده است. سایر شهرستان‌های استان، سهمی حدود ۱۰ درصد و کمتر را چه در مؤلفه مبدأ و چه در مؤلفه مقصد به خود اختصاص داده‌اند. لازم است اشاره شود که سهم‌های درصدی گزارش شده در فوق برای مؤلفه‌های مبدأ و مقصد، هم مهاجرت‌های داخلی شهرستان و هم مهاجرت‌های بین شهرستانی را شامل می‌شود. به عنوان مثال، ۱۳/۵

درصد از جابجایی‌هایی صورت گرفته در داخل شهرستان یزد، دارای مبدأ و مقصد مشترک بوده‌اند. به بیان دیگر، مهاجرت‌هایی بوده‌اند که در داخل محدوده شهرستان جابجا شده‌اند.

نمودار ۱. مؤلفه مبدأ و مقصد در مهاجرت‌های درون استانی - استان یزد، سرشماری سال ۱۳۹۵



مهاجران بین‌المللی وارد شده به استان یزد

جدول ۳، اطلاعاتی را در مورد کشور محل اقامت قبلی مهاجرین بین‌المللی وارد شده به استان یزد طی دوره ۹۵-۱۳۹۰ ارائه می‌دهد. براساس نتایج ۸۲ درصد از مهاجران خارج از کشور که به استان یزد وارد شده‌اند از مبدأ کشور افغانستان بوده‌اند. در مرتبه بعدی، هند و پاکستان با ۴/۷ درصد و ۳/۸ درصد قرار می‌گیرند. پس از آن، عراق و مالزی هم با سهم کمی بیش از یک درصد قرار دارند. محل اقامت قبلی ۷/۴ درصد از مهاجران، سایر کشورهای دنیا بوده است.

جدول ۳. کشور محل اقامت قبلی مهاجران وارد شده به استان یزد از خارج از کشور، طی دوره ۹۵-۱۳۹۰

کشور محل اقامت قبلی	تعداد	درصد
افغانستان	۱۴۷۵	۸۲
پاکستان	۶۸	۳/۸
عراق	۲۴	۱/۳
هند	۸۴	۴/۷
مالزی	۱۹	۱/۱
سایر کشورها	۱۳۳	۷/۴
جمع	۱۸۰۳	۱۰۰

* منبع: سالنامه آماری ۱۳۹۵



جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

استان یزد سومین استان مهاجرپذیر کشور است. در سالیان اخیر، این استان، میزبان مهاجران فراوانی از سایر نقاط کشور بوده که عمدتاً با انگیزه یافتن شغل وارد این استان شده‌اند. در این مطالعه، با استفاده از تحلیل ثانویه داده‌های سرشماری سال ۱۳۹۵ و همچنین داده‌های سرشماری‌های ۹۵-۱۳۶۵، به بررسی روند مهاجرت درون استانی و بین‌استانی پرداخته شد.

یافته‌های مطالعه در پنج بخش مرتبط به هم ارائه شد. ابتدا تحولات رشد جمعیت و مهاجرت در استان یزد طی سه دهه اخیر مرور گردید. یافته‌های این بخش حاکی از سیر صعودی و شتابان مهاجرپذیری در استان یزد بود. به طوری که، مهاجرت به عنوان یک مؤلفه مهم، در گذر زمان سهم فزاینده‌ای در افزایش جمعیت استان به خود گرفته است و خالص مثبت مهاجرتی استان از ۱۵/۸ هزار نفر در طول دهه ۷۵-۱۳۶۵ به ۴۳/۲ هزار نفر در طول دهه ۸۵-۱۳۷۵ و سپس به ۶۸/۷ هزار نفر در دهه ۹۵-۱۳۹۰ افزایش یافته است. آنچه که خالص مثبت مهاجرتی استان منعکس می‌کند، بیانگر تعداد جمعیتی است که از طریق مهاجرت به جمعیت استان افزوده شده است، اما یک بُعد درخور توجه دیگری از موضوع، مجموع جمعیت مهاجران وارد شده‌ای است که در دهه‌های اخیر به استان سرازیر شده و برآیند حضور آنها می‌تواند ترکیب جمعیتی و بافت فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی استان را تحت تأثیر قرار دهد. البته ابعاد این حضور، می‌تواند دربر گیرنده آثار و پیامدهای مثبت و منفی به صورت توأمان باشد. پیامدهای منفی مهاجرت در حوزه عمومی جامعه به طور برجسته‌ای مورد اشاره قرار گرفته است. اما به پیامدهای مثبت آن کمتر پرداخته شده است. به عنوان مثال، پاسخ به تقاضای بازار کار و تأمین نیروی کار مورد نیاز، و نیز رونق بخش‌های مختلف اقتصاد استان، شاید بدون حضور مهاجران امری غیرممکن یا دشوار باشد. امروزه، بسیاری از جوامع دنیا، در عین حفظ قوام فرهنگی و اجتماعی خود، از منافع متقابل که مهاجرت برای جامعه میزبان و مهاجران ایجاد می‌کند، حداکثر بهره و استفاده را می‌برند. استفاده علمی از تجربیات دنیا در این زمینه می‌تواند راهگشا باشد.

بخش دوم مقاله، براساس مهاجرت‌های دوره‌ای، در سال‌های ۹۵-۱۳۹۰ جایجایی‌های مهاجرتی اتفاق افتاده در استان را به تفکیک شهرستان بررسی نمود. بر مبنای یافته‌ها، در



۱۰۰

سال اول، شماره ۱
بهار ۱۳۹۸

دوره مورد بررسی، حدود ۱۹/۹ هزار مورد جابجایی در داخل استان اتفاق افتاده است. ۶۲ هزار مهاجر از سایر استان‌ها یا از خارج از کشور به استان وارد گردیده و ۲۳/۴ هزار مهاجر از استان خارج شده است. بزرگ‌ترین شهرستان استان یعنی شهرستان یزد، مبدأ حرکت نسبت قابل توجهی از مهاجران، یعنی پنج مهاجر از هر هفت مهاجر یزدی بوده است که از استان خارج شده است که این یافته، همسو با تئوری مهاجرت راونشتاین (۱۸۸۵) است که بر مرحله‌ای بودن فرآیند مهاجرت تأکید دارد. از نقطه نظر سهم شهرستان‌ها در بهره‌مندی از خالص مهاجرتی ۳۸/۶ هزار نفری استان، شهرستان‌های یزد، اردکان و میبد (به ترتیب با سهمی حدود ۵۰ درصد، ۲۰ درصد و ۱۳ درصد) نسبت به سایر شهرستان‌های استان خالص مهاجرتی بیشتری را به خود اختصاص داده‌اند. شهرستان‌های مذکور، هر سه در زمره صنعتی‌ترین شهرستان‌های استان هستند که توسعه صنایع و کارخانجات زمینه‌ای را برای جذب نیروی کار کارگری مهاجر در آنها فراهم آورده است.

بخش سوم مقاله، تعاملات مهاجرتی استان یزد با سایر استان‌های کشور را در دوره ۱۳۹۰-۹۵ مورد بررسی قرار داد. اصلی‌ترین مقصد مهاجرتی برای ۲۳/۴ هزار مهاجران یزدی خارج شده از استان یزد، استان تهران (۱۹٪) بوده است. سپس به ترتیب استان‌های فارس، اصفهان، کرمان، و خراسان رضوی (با سهمی معادل ۱۲ درصد، ۱۲ درصد، ۱۱ درصد، و ۸ درصد) قرار می‌گیرند که روی هم رفته، ۶۲ درصد از مهاجران خارج شده از استان یزد، در بین آنها بازتوزیع شده‌اند. از سوی دیگر، جمعیت حدود ۶۰/۳ هزار نفری وارد شده از سایر استان‌ها به استان یزد، عمدتاً به ترتیب از استان‌های فارس، کرمان، اصفهان، تهران، سیستان و بلوچستان، خوزستان و خراسان رضوی وارد یزد شده‌اند. سهمی قریب به سه چهارم از کل واردشدگان به استان یزد، متعلق به هفت استان مذکور است.

بخش چهارم مقاله، به تحلیل الگوهای مهاجرت‌های صورت گرفته در محدوده درون استانی پرداخت. مقصد حدود نیمی از جابجایی‌های انجام شده در محدوده داخلی استان، و همچنین مبدأ حدود ۳۸ درصد از مهاجران داخل استانی، متعلق به شهرستان یزد بوده است. البته بزرگی این نسبت‌ها، تا حد زیادی تابع حجم بالای جمعیتی این شهرستان به عنوان مرکز استان در مقایسه با سایر شهرستان‌ها بوده است.

سرانجام، در بخش پنجم و انتهایی مقاله نیز جمعیت حدود ۱۸۰۰ نفر مهاجرین

بین‌المللی وارد شده به استان در دوره پنج ساله منتهی به سرشماری سال ۱۳۹۵ را مورد بررسی قرار داد. براساس یافته‌ها، ۸۲ درصد از این گروه از مهاجران، از افغانستان وارد استان شده‌اند.

مقاله حاضر، نیم‌رخ کلی جریان‌های اخیر مهاجرتی در استان یزد را به تصویر کشید. موضوع مهاجرت دارای ابعاد مهم و معنادار اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و جمعیتی است که پرداختن به همه این ابعاد متنوع، نیازمند مطالعات جامع و تحلیلی است. سیاستگذاری و برنامه‌ریزی کارآمد در این حوزه، بایستی بر پایه شناخت علمی و کارشناسی شده استوار باشد. مهاجرت در زمره موضوعات مهم در سیاست‌های کلی جمعیت کشور، ابلاغی از سوی مقام معظم رهبری است. به گونه‌ای که "بازتوزیع فضایی و جغرافیایی جمعیت، متناسب با ظرفیت زیستی با تأکید بر تأمین آب با هدف توزیع متعادل و کاهش فشار جمعیتی" در سیاست‌های ابلاغی مورد تأکید و توجه قرار گرفته است. شناخت علمی از الگوی بازتوزیع متناسب جمعیتی نیازمند مطالعات استانی و منطقه‌ای در سطح کشور و شناخت جریان‌های مهاجرتی است.

همان گونه که پیشتر اشاره شد، مطالعات دیگری ضروری است تا به ارزیابی علمی و واقع‌بینانه از برآیندهای مثبت و منفی حاصل از جریان‌های مهاجرتی بپردازد. علاوه بر این، سؤالات پژوهشی بسیاری وجود دارد که همچنان بدون پاسخ مانده‌اند: مهاجران وارد شده و خارج شده از کدام گروه‌ها و لایه‌های اجتماعی هستند؟ خصوصیات و ویژگی‌های اقتصادی و اجتماعی آنها چیست؟ گردش سرمایه انسانی در جریان این جابجایی‌ها به نفع کدام مناطق رقم می‌خورد؟ سهم مهاجران اصلی به عنوان تصمیم‌گیرندگان اصلی مهاجرت‌ها و مهاجران تبعی که با تبعیت از مهاجرین اصلی اقدام به مهاجرت می‌کنند، در حجم مهاجرت‌هایی که رخ می‌دهد، چیست؟ انگیزه‌های اقتصادی و غیراقتصادی حاکم بر تصمیم به مهاجرت کدامند؟ شبکه‌های اجتماعی مهاجرین قبلی، چگونه به استمرار و تقویت جریان مهاجرت دامن می‌زنند؟ الگوی سنی و جنسی مهاجرت‌ها چگونه است؟ اینها و پرسش‌های متعدد دیگری از این قبیل، تحقیقات بعدی بیشتری را طلب می‌کند.

منابع و مأخذ:

- ۱- ابراهیم‌زاده، عیسی (۱۳۸۰)، مهاجرت‌های روستایی و علل و پیامدهای آن: نمونه استان سیستان و بلوچستان، فصلنامه تحقیقات جغرافیایی، شماره ۱۴۳: ۶۰-۱۶۸.
- ۲- اذانی، مهری و سعید بوستانی، (۱۳۹۲)، تحلیلی بر عوامل مؤثر در مهاجرت‌های روستایی- شهری (شهرستان ممسنی)، مجله فضای جغرافیایی، سال سیزدهم، شماره ۴۱: ۹۳-۱۱۱.
- ۳- زنجانی، حبیب‌الله (۱۳۸۰)، مهاجرت، تهران: انتشارات سمت.
- ۴- زنجانی، حبیب‌الله و علیزاده آهی، زرین تاج (۱۳۷۲)، بررسی مهاجرت در مطالعات تحول جمعیت، فصلنامه جمعیت، شماره ۵ و ۶: ۵۹-۶۸.
- ۵- رهبر معظم انقلاب (۳۰ اردیبهشت ۱۳۹۳). "سیاست‌های کلی جمعیت"، <http://www.leader.ir/fa/content/11847>
- ۶- شهبازین، سعیده (۱۳۹۷). مهاجرت داخلی ایران نقش مهاجرت داخلی در باز توزیع جمعیت در سطح شهرستان. پایان‌نامه دکتری جمعیت‌شناسی. دانشگاه یزد: دانشکده علوم اجتماعی.
- ۷- صادقی، رسول و محسن شکرینی، (۱۳۹۵). تحلیل نوسانات فضایی تأثیر توسعه بر مهاجرت داخلی بین شهرستانی در ایران، مجله توسعه محلی، دوره ۸، شماره ۲، ۲۷۰-۲۴۵.
- ۸- عسکری ندوشن، عباس، سعیده شهبازین و سارا مالکی (۱۳۹۷). "تحلیلی بر روندها و جریان‌های مهاجرتی در استان یزد"، در شورای اجتماعی کشور (گردآورنده)، تحلیل مسائل و آسیب‌های اجتماعی کشور: مقالات استان یزد، تهران: پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات، ۲۶۷-۲۲۹.
- ۹- عسکری ندوشن، عباس، سیدعلیرضا افشانی، راضیه ذاکری‌هامانه و سمیه عسکری ندوشن (۱۳۹۰). تمایلات مصرفی زنان در شهر یزد، زن در توسعه و سیاست، دوره ۹، شماره ۱، ۱۱۶-۹۳.
- ۱۰- عسکری ندوشن، عباس؛ احسان لشکری و سمیه فرامرزیان (۱۳۹۵). رابطه شاخص‌های توسعه و مهاجرت‌پذیری شهرستان‌ها در ایران. تحلیل اجتماعی نظم و نابرابری، دوره ۱۲، شماره ۴.
- ۱۱- علی بیگی، جواد (۱۳۹۵). بررسی عوامل اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی مؤثر بر مهاجرت‌های روستایی - شهری در استان ایلام در مقطع زمانی ۱۳۸۵ تا ۱۳۹۴ (مهاجران روستایی شهر ایلام)، فصلنامه جمعیت، سال بیست و سوم، شماره ۹۵ و ۹۶، ۱۰۶-۸۵.
- ۱۲- مالکی، سارا (۱۳۹۵). "بررسی ویژگی‌های مهاجران در جریان‌های مهاجرتی استان یزد با تأکید بر نتایج سرشماری ۱۳۹۰"، پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد جمعیت‌شناسی، دانشگاه یزد: دانشکده علوم اجتماعی.
- ۱۳- محمودیان، حسین و علی قاسمی‌اردهایی (۱۳۹۱). شبکه‌های اجتماعی مهاجران و بازتولید فرهنگ مهاجرت در مناطق روستایی: مطالعه کیفی بر جریان‌های مهاجرت از استان آذربایجان شرقی به استان تهران؛ مجله توسعه روستایی، دوره چهارم، شماره اول، ۱۲۸-۱۰۹.
- ۱۴- محمودیان، حسین و علی قاسمی‌اردهایی، (۱۳۹۲). بررسی وضعیت مهاجرت و شهرنشینی در ایران. تهران.





- ۱۵- محمودیان، حسین و محمود مشفق، (۱۳۸۷). بررسی تغییرات ساختار مکانی مهاجرت‌های بین‌منطقه‌ای در ایران طی دوره ۸۵-۱۳۵۵. نامه انجمن جمعیت‌شناسی ایران، سال ۳، شماره ۶، ۸۹-۱۱۷.
- ۱۶- مرکز آمار ایران، (۱۳۹۶). سالنامه آماری کشور ۱۳۹۵، تهران: مرکز آمار ایران.
- ۱۷- مرکز آمار ایران، (۱۳۹۵). نتایج سرشماری عمومی نفوس و مسکن سال ۱۳۹۵. تهران: مرکز آمار ایران.
- ۱۸- مشفق، محمود (۱۳۸۹). مهاجرت داخلی در ایران: بررسی سطوح و روندهای مهاجرت داخلی در ایران و عوامل مؤثر بر آن ۱۳۸۵-۱۳۵۵. پایان‌نامه دکتری جمعیت‌شناسی. دانشگاه تهران: دانشکده علوم اجتماعی.

- Hierro, M., Maza, A., & Villaverde, J. (2019). Internal migration dynamics in Spain: Winners and losers from the recent economic recession. *Population, Space and Place*, 25(2), e2176.
- Maza, A. (2006). Migration and Regional Convergence: The Case of Spain. *The Review of Regional Studies*, 26 (2): 191-202.
- Ravenstein, E. G. (1885). The Laws of Migration, *Journal of the Statistical Society of London*, 48(2): 167-235.
- Rees, P., Bell, M., Kupiszewski, M., Kupiszewska, D., Ueffing, P., Bernard, A., ... & Stillwell, J. (2017). The impact of internal migration on population redistribution: An international comparison. *Population, Space and Place*, 23(6), e2036.
- Tomita, S. Hayashi, Y. (2006). Spatial Analysis of Centralization and Decentralization in the Population Migration Network. *Asia-Pacific Symposium on Information Visualisation, APVIS 2006, Tokyo, Japan, February 1-3, 2006.*

Demographic Perspective on the Recent Migration Flows in Yazd Province

Abbas Askari-Nodoushan¹, Farideh Shams-Ghahfarokhi², Leila Zandy³,
Mohammad Reza Rezaei⁴

Abstract

The present study has used census data of the years 1986-2016 in Iran to analyze the recent migration flows in Yazd province with an emphasis on the five-year period 2011-2016. The findings of the study shows the presence and active participation of Yazd province in the national system of internal migration during last three decades. Based on the findings, migration as an important component has taken an increasing contribution to the province's population growth. In the period 2011 to 2016, approximately 39 thousand people were added to the province's population as the result of a positive net migration. In addition, in the same period, about 60 thousand migrants from other provinces moved to Yazd province. The main migration streams to Yazd have been respectively from the origin of the provinces of Fars, Kerman, Isfahan, Tehran, Sistan-and-Baluchestan, Khuzestan and Khorasan-Razavi (with a range from 14.5% to 6%). These seven provinces have been the origin of about 75% of the total in-migration to the destination of Yazd province. On the other hand, approximately 23.5 thousand out-migrants from the province of Yazd have left Yazd for other provinces. Tehran Province (with 19%) and then the provinces of Fars, Isfahan, Kerman (between 11% and 12%) and Khorasan-Razavi (8%) have been five main destinations for more than 62% of out-migrants from Yazd. In addition to the above categories, about 20 thousand movements have occurred within the province border. Also, during the last study period, about 1800 international migrants come to Yazd province, of which about 81% have come from Afghanistan. More scientific research is needed to study the of these demographic movements from the economic, social and cultural perspectives.

Keywords: Net migration, In-migrants, Out-migrant, Origin and destination of migration, Yazd

1 . Associate Professor, Faculty of Social Sciences, Yazd University
(Corresponding Author) aaskarin@yazd.ac.ir

2 . PhD Student in Demography, , Faculty of Social Sciences, Yazd University
fshamsghahfarokhi@yahoo.com

3 . PhD Student in Demography, , Faculty of Social Sciences, Yazd University
doniazandy2007@yahoo.com

4 . Associate Professor, Department of Geography and Urban Planning, Yazd
University mrezaei@yazd.ac.ir



۱۶۹

سال اول، شماره ۱
بهار ۱۳۹۸